

شرق

روزنامه

www.sharghdaily.ir

یکشنبه ۱۹ مرداد ۱۳۹۹ • ۱۹ ذی‌الحجه ۱۴۴۱ • ۹ آگوست ۲۰۲۰

سال هفدهم • شماره ۳۷۸۷ • ۱۲ صفحه

اذان ظهر تهران ۱۳:۱۰ • اذان مغرب ۲۰:۲۰

اذان صبح فردا ۴:۴۶ • طلوع آفتاب ۶:۱۹

fardashargh@gmail.com

روزنامه‌فرو

نور نوشت



نذر میوه در روز عید سعید غدیرخم در شهرکرد/ عکس: پانتەآ نیگز،ا.د. مهر

پیشخوان

طریقت طعام در سه نقطه

بخش پرونده غذا پنج تک‌نگاری درباره غذاهای ایرانی به قلم محمد طلوعی است. شروع مجله ما به قلم شیوا و طناز علی‌اکبر قاضی‌زاده است که در بخش اعلاات با مقام‌های رسمی و عنوان‌دار کشوری شوخی کرده است. اگر نمی‌دانید هم بدانید که «سه نقطه» ماهنامه طنزی است که چهاردهمین شماره‌اش به مدیرمسئولی امید مهدی‌نژاد و سردبیری مرتضی کاردر و مدیریت هنری محمد صمدی، به قیمت ۲۴ هزار تومان در کتابفروشی‌ها و دکه‌ها و فروشگاه‌های آنلاین عرضه شده است.



چهاردهمین شماره ماهنامه «سه نقطه» منتشر شد. روی جلد این شماره تیتراهایی درباره غذا نوشته شده و آنچنان که معلوم است پرونده ویژه این شماره درباره «شرح ماجرای طبخ و سرو و صرف در طریقت طعام» است. پرونده غذا به سه بخش تقسیم شده؛ بخش نخست شامل تأملاتی درباره ماهیت غذا و اصل غذاخوردن است. دسته دوم نوشته‌های پرونده به انواع و اقسام غذا و نحوه مواجهه آدم‌ها با غذا می‌پردازد. نوشته‌های بخش سوم پرونده به تأمل درباره دلایل غذاخوردن پرداخته است. پایان



کلینیک ایران نوین
irannovinclinic.com



جشنواره

تابست

- تخفیف ویژه
- شرایط پرداخت
- قرعه کشی برای ۷۷ نفر

نذروقت بگنزه بیاموبکار

۵ ۵ ۵ ۱ ۲ ۲ ۲ ۲ ۵



عبدالرحمن نجل رحیم

مغز پړ وه

در مملکت ما پیشوند «نورو» به «عصب» ترجمه شده است؛ به همین دلیل معادل عصب‌شناسی را به‌جای نورولوژی و عصب‌پژوهی را به‌جای نوروساینس ساخت‌ه‌ایم. بازار که داغ‌تر شد، رشته‌های ترکیبی دیگری چون عصب‌د روان‌شناسی (نوروپسیکولوژی)، عصب –روان‌پزشکی (نوروپسیکاتری) هم پا گرفتند و بعد نیز این موج به فلسفه و اخلاق رسید و نوروفیلاسفی و نوروانتیکس پیدا کردیم. اما کار به همین‌جا خاتمه پیدا نکرد. دست نامرئی اما توانای سرمایه، توانست «نورو» را به سایر شئونات زندگی انسانی چون کامپیوتر (رایانه)، استتیک (زیبایی‌شناسی)، مدیریت، آموزش‌وپرورش متصل کند و درنهایت نیز آن را به دامن اقتصاد و سیاست برساند تا بالاخره در آغوش مام سرمایه‌داری با نام پراپرت نوروکاپیتالیسم، به رشد امروزیں خود ادامه دهد. حالا باید دید این عشق و علاقه به «عصب» یا «نورو» در جوامع پیشرفته سرمایه‌داری و اقمارش از کجا می‌آید؟ آیا عشق به علم و پژوهش بوده که چنین مرزهای آکادمیک را با بولدز از سر راه برداشته و توسعه بینارشته‌ای راه انداخته است؟ یا «نورو» نام «براند» کالایی بین‌المللی است که به امید سودآوری لایزال، به جهان سرمایه راه یافته است؟ به نظر دو نفر از اندیشمندان منتقد در این زمینه، جن اسلبی و شون کالاکر در مجله فرهنگ و جامعه (۲۰۱۴)، از سال ۱۹۸۰ به بعد ما شاهد بروز زیست‌جهان اجتماعی – تکنولوژیکی هستیم که اقتصاد سرمایه‌داری خود را در میانه میدان

پژوهش‌های عصب و مغزپژوهی می‌بیند؛ به عبارتی، پشتیبان‌های مالی و مشتری‌های این براند گسترش‌یابنده، سرمایه‌داران هستند. چون اقتصاد امروز دیگر اقتصاد تولید نیست بلکه اقتصاد حدس‌وگمان است؛ یعنی شرط‌بندی اصلی روی آینده سودآوری است. ترکیب تکنولوژی کامپیوتری، اینترنت، گوشی موبایل و سایر وسایلی که می‌توانند به اعضای بدن انسان ازجمله به مغز انسان وصل شوند و وسایل تصویربرداری و نقشه‌برداری مغزی، ابزار تکنولوژیک اندازه‌گیری‌های در

سطح مولکولی و ژنتیکی، رشد کارخانجات داروسازی در ساختن انواع داروهایی که بر رفتار تأثیر می‌گذارند، همه در حول عصب‌پژوهی باعث شده است تا توجه سرمایه برای تأمین سود در آینده، هر چه بیشتر به این حیطه جلب شود. به‌طوری‌که می‌توان گفت در بسیاری موارد منطق بازار است که پژوهش علمی در زمینه عصب پژوهی یا صنعت «نورو» را پیش می‌برد و متأسفانه موضوعات پژوهشی را در حول تأمین منافع، حتی در سطح آکادمیک تعیین می‌کند. به‌طوری‌که امروزه عرضه مقاله علمی و تقاضای بودجه علمی برای کار پژوهشی نیز مانند کار تبلیغ کالا باید جذاب و مشتری‌پسند باشد. انسان به‌تدریج در حال تقلیل پیداکردن به ایزه یا ماشین خوش‌دست است که باید در جفت‌وبست خاص منفردانه و اتمیزه در شبکه عظیم سرمایه کار کند. در این معرکه است که عصب فلسفه (نوروفیلاسفی) ادعایی نیز به فیزیکالیسم محض کشانده می‌شود؛ به‌طوری‌که تجربیات ذهنی از منظر اول‌شخص و قصدمندی آگاهانه را نوعی پدیده‌های توحمی می‌پندارد و در بهترین حالت پدیده‌هایی جانبی، بی‌اهمیت و پیرامونی تلقی می‌کند (چرچلند ۲۰۰۲ و متسینگر ۲۰۰۹). در این دستگاه فلسفی که به رئالیسم متافیزیکی یا فیزیکالیسم غالب است، انسان درنهایت به‌صورت ایزه تعریف می‌شود و سوزه‌بودگی انسان افسانه‌ای بیش نیست.

شون کالاکر به مقاله‌ای در مجله معروف «نورون» اشاره می‌کند که در آن ادعا می‌شود که می‌توان ایمازهای ذهنی فردی را بازسازی کرد و روی صفحه مانیتور نشان داد. این ادعا توسط دستگاه تبلیغاتی شرکت‌های وابسته در رسانه‌ها چنان بزرگ می‌شود که گویا در ۱۰ سال آینده تکنولوژی رایانه‌ای که به «عصب»‌های مغز وصل خواهند شد، قادر خواهند بود که فکر، ایده‌ها، خیالات افراد را از درون مغزشان بخوانند. نهایتاً ادعا این است که در آینده دانشمندان قادر خواهند بود به‌طور مستقیم و دقیق به تصاویر خلق‌شده در مغز یک هنرمند دسترسی پیدا کنند یا می‌توانند برای درمان توهمات بیماران اسکیزوفرنی، پنجره‌هایی مستقیم رو به ذهن آنها تعبیه کنند و ازطریق ابزارهای الکترونیکی به هیجانات و احساسات پیچیده افراد دست پیدا کنند. بدیهی است که مغزپژوهی اجتماعی و انتقادی با این ادعاهای گراف که هدف‌های اقتصادی در بازار سرمایه‌داری را دنبال

شاهزاده‌ای در سفر- ۱

ماهی را هروقت از آب بگیری...

وظایف بزرگ‌سالی آماده شوند؟ در بسیاری از افسانه‌ها می‌خوانیم که پادشاه برای جانشینی تکلیفی سخت برای شاهزاده خود تعیین می‌کند که با مخاطرات بسیاری همراه است: آن تاج زرین، استقلال است که پیش‌شرط آن هفدمندی، راهسپاری در مسیر پرخطر، تداوم و زیرکی و بعد دستیابی به هدف است. پیش از کرونا نیز پیچیده‌ترین مشکل خانواده‌ها، مواجهه با نوجوانی بود؛ چه برای خود نوجوان و چه والدین او؛ دوره‌ای مهم و بسیار نامعلوم و ناشناخته؛ دوره‌ای که برای والدین نگران‌کننده بود و هست. میل به نوجوان برای خروج از خانه و ورود به دنیای وسیع‌تر از سویی و نگرانی والدین از خطرات دنیای خارج خانه از سویی دیگر. ترجیح نوجوان به رابطه با همتایان از سویی و نگرانی خانواده از تأثیر منفی آن از سویی دیگر. مخاطره عبور از مسیر نوجوانی، کم از عبور از آن سفرهای افسانه‌ای نبوده و نیست. همیشه بیشترین کشمکش بین والدین با فرزندان نوجوانشان وجود داشته. او خیابان، دوستان و نوجوبی را ترجیح می‌دهد و همین خانواده را می‌ترساند. اکنون که کرونا آمده، تنش‌های والدین بیشتر شده است. نوجوان مشتاق رابطه با دوستانی هستند که آن‌سوی درهای خانه‌اند، دلشان برای آنان می‌تپد و پاهایشان بقرار رفتن نزد آنان است، اما مجبورند به ماندن. تحمل شرایط کرونا برایشان بسیار سخت است، آنان مثل کودکان از صرف وقت در کنار خانواده ارضا نمی‌شوند و نیز منبع اطلاعات و حرف‌شوی‌شان فقط والدین نیستند. از سویی، دنیای ذهنی آنان گسترده‌تر است و از سویی دیگر قادر به مدیریت هیجانات خود نیستند و در بسیاری مواقع به عواقب رفتارهای خود فکر نمی‌کنند و نمی‌دانند به وقت بروز مشکلی جدی، نمی‌توانند به دوستانشان



شکوفه موسوی

روان‌پزشک کودک و نوجوان

زندگی با کرونا احتمالاً تغییری در رفتار نوجوانان و همچنین تعامل والدین و نوجوانان پدید آورده است. کرونا جهان را ناآشناتر از همیشه کرد؛ انگار به تماشای فیلمی نشسته بودیم و هر لحظه صحنه‌ها عجیب‌تر و سریع می‌شدند و از جایی این تغییر و سرعت، سرسام‌آور شد. اما درواقع ما به تماشا نشسته بودیم و ننشسته‌ایم، بلکه ما جزئی از آن فیلم بوده‌ایم و هستیم. گیج‌شدن بسیاری از ما، از این بابت است که انگار هیچ آمادگی‌ای برای آن تغییر عجیب و آن سرعت سرسام‌آور نداشتیم. الان زندگی ما به حدی تغییر کرده که اگر کمی قبل از کرونا، در یک فیلم به تماشای آن می‌نشستیم، از قدرت تخیل نویسنده و کارگردان تعجب می‌کردیم. حال خودمان همان‌جا هستیم؛ یک قطعه از این معمای عجیب، یک بازیگر از این نمایش غریب و پرسش این است: چقدر مجهزیم؟ چقدر توان مواجهه و چاره‌جویی داریم؟ همین‌جاست که تفاوت‌های ما با هم مشخص می‌شود؛ در سطح فردی، خانوادگی و اجتماعی. انگار زلزله‌ای آمده، اما میزان تخریب برای هرکس، خانواده و اجتماع متفاوت است؛ زلزله‌ای که نه پایان پذیرفته و نه معلوم است چه زمانی پایان می‌یابد و هنوز آسیب‌هایش ترمیم نشده و همه افراد را در همه سنین دچار مشکل کرده است. وضع نوجوانان چگونه است؟ آنان که به‌لحاظ نحوه تفکر، از کودکی فاصله گرفته‌اند و به‌دستی باید فرصت آموختن از تجربه‌های شخصی خود را داشته باشند و با درس‌گرفتن از آنها، برای

می‌کنند، نمی‌تواند موافق باشد. شکی نیست که ذهن ما به‌واسطه مغز ما بدن‌مند شده است. ذهن ازطریق بدن با اتصال به ابزار پیشرفته، روابط بیناجسمانی، بیناسوزه‌ای و بینافردی و همچنین از راه ساختن مؤسسات و تولیدات فرهنگی، می‌تواند توسعه و گسترش پیدا کند. هابر ماس درست می‌گوید که بدون فهم بیناسوزه‌ای، هیچ عینیتی (ایزکتیوینته‌ای) از دانش و معرفت به دست نمی‌آید؛ بنابراین ذهن به درون کاسه سر ما محدود نمی‌شود، حتی با وجود اینکه این مغز ما است که میانجی بزرگ بین بدن و ذهن ما و موجب توسعه ذهن ما در تجربیات جهان زیستی ما است (توماس فوکس: اکولوژی مغز ۲۰۱۸). اگر بخواییم خلاصه کنیم: در طول زندگی مغز همراه با بدن زیسته ما در مدار چرخش عمودی –بیس کل و جزء- و چرخش عرضی بیس درون و بیرون در کنش و ادراک متقابل و چرخشی در پژواک با ذهن دیگری و ایزه‌ها، قادر به ایجاد قصد و معنا، عاملیت (سوزگی) و آگاهی و اراده می‌شود و زیست‌جهان ما شکل می‌گیرد. در این نظام پیچیده نمی‌توان به هوی دورزدن، گذر از میان‌بر، کوتاه‌کردن راه، بین مغز و ذهن پل موقت زد و ازطریق استفاده از الکتروده و دستگاه‌های دیزیتال، تصویربرداری یا نقشه‌برداری از مغز برای دستیابی به شناخت واقعی انسان نظری خام‌دسته و ساده‌لوحانه داد. در این میان، حذف سوزه یا منظر اول و دوم شخص یا عاملیت ذهن (سوپرکتیوینته) در معادله مطالعه پژوهشی شناخت و پیرامونی جلوه‌دادن مسئله قصدمندی و آگاهی و مشارکت بینافردی در مغزپژوهی اجتماعی، به‌نوعی تن‌دردان به رئالیسم متافیزیکی یا فیزیکالیسم است که درنهایت ما را به «انسان – ایزه» یا «انسان – ماشین» خواهد رساند. این ایده دکارتی را باید کنار گذاشت که شناخت چیزی است که در فضای خصوصی ذهن فردی اتفاق می‌افتد بلکه شناخت به‌طور غیربازنمایانه‌ای در فضای کنش متقابل بینافردی و جمعی اتفاق می‌افتد. بدیهی است که مغزپژوهی یا عصب‌پژوهی، به زیست‌جهان امروز ما تعلق دارد و به‌صورت یک مؤسسه شناختی درآمده و با ابزار و

تشکیلات مختلف می‌خواهد به فهم عمیق‌تر انسان در وجهه مختلف آن برسد. انتقاد حاضر تلاش برای جلوگیری از انحراف در مسیری است که مغزپژوهی برای رسیدن به اهداف انسانی در پیش دارد.

تکیه کنند. تأثیرپذیری از گروه همتایان و حتی فشار آنان خیلی قوی‌تر است تا توصیه‌های والدین و مسئولان. بیشتر والدینی که فرزند نوجوان دارند، با نگرانی و حتی خشم با این مسئله مواجه می‌شوند که چگونه افرادی غریبه و گاه بی‌تجربه یا خطرناک، چنین تأثیر قوی‌ای بر فرزندان آنان دارند. بسیاری از این والدین شکایت بسیار دارند که نمی‌توانند با نوجوانان ارتباط برقرار کنند، فرزندان نوجوانشان در این شرایط کلافه و بیقرارند و در بسیاری اوقات به توصیه‌های بهداشتی عمل نمی‌کنند، بیرون می‌روند، با دوستان خود ملاقات می‌کنند، استفاده از ماسک را به شوخی می‌گیرند. با والدین بسیاری در این مدت تماس داشته‌ام که دچار علائم اضطرابی شدید به خاطر همین رفتارها شده‌اند؛ یعنی اینکه نوجوانانشان نه‌تنها خودش را در معرض آسیب قرار می‌دهند، بلکه رفتارشان برای بقیه اعضای خانواده هم خطرناک است. امروز بیش از هر وقت دیگر دریافته‌ایم که داشتن دانش و مراعات‌کردن فردی، کافی نیست؛ اگر دیگران ندانند و نکنند، اگر نوجوانان در خانواده‌ای به توصیه‌های بهداشتی عمل نکنند، مراعات دیگران بی‌تأثیر خواهد شد؛ همچنان که اگر افرادی در اجتماع این‌گونه باشند، نتیجه مراعات بقیه به هدر خواهد رفت. اینجاست که مسئولیت هر فرد درمقابل خود و دیگران مطرح می‌شود. برای من که در سطح خانواده کار می‌کنم، به‌خصوص درباره نوجوانان، همیشه این سؤال مطرح است: این مشکل از کجا به امروز رسیده است؟ چه کارهایی باید انجام می‌شد که نشد؟ چه کارهایی نباید انجام می‌شد که نشد؟ هرچه زودتر چاره‌جویی کنیم، بهتر است. پشتوانه ما ضرب‌المثلی است که از دوردست خرمنده‌ان و عقلانی در فرهنگ ماست: ماهی را هر وقت از آب بگیری...

خبر

عظیم به‌مراتب آسان‌تر از واکسن‌های سنتی خواهد بود. دانشگاه آکسفورد نیز از مراکز است که فاز سه نهایی آزمایش واکسن را در برزیل و آفریقای جنوبی شروع کرده است. واکسن آکسفورد درواقع از روی یک ویروس سرماخوردگی ساخته شده است که معمولاً شامپازنه‌ها را درگیر می‌کند. برای این کار محققان اول از همه ویروس سرماخوردگی شامپازنه را جدا می‌کنند و آن را به‌لحاظ ژنتیکی طوری تغییر می‌دهند که قابل سرایت به انسان نباشد. سپس در مرحله بعد زن‌هایی به ساختار سلولی اضافه می‌کنند که کارشان ساختن پروتئین‌های مخصوص از ویروس کووید ۱۹ یا اصطلاحاً گلیکو پروتئین است. سپس آن را به داوطلبان تزریق می‌کنند. این تکنیک درواقع همان تکنیکی است که دانشمندان آکسفورد پیش از بروز همه‌گیری کرونا درگیر امتحان آن بودند تا برای دو ویروس مرس و ابولا به

واکسن برسند. دلیل اینکه این دانشگاه در تلاش برای رسیدن به واکسن کرونا از دیگر مؤسسات و دانشگاه‌های جهان جلوتر است نیز به همین مسئله بازمی‌گردد. دانشگاه ملیورن در استرالیا نیز یکی دیگر از مراکز است که واکسن تولیدی خود را وارد فاز سه کرده است. این واکسن برمبنای یک واکسن صدساله متعلق به بیماری سل ساخته شده است. گمان نمی‌رود این واکسن افراد را در مقابل کووید ۱۹ محافظت کند اما ممکن است باعث تقویت سیستم ایمنی بدن شود. در میان شرکت‌هایی که فاز سه آزمایش انسانی خود را شروع کرده‌اند، سه شرکت از چین نیز وجود دارند. انستیتو بیولوژی ووهان، انستیتو بیولوژی پکن و شرکت چینی سینواک. سینواک برای واکسن خود از ذرات غیرفعال‌شده کووید ۱۹ استفاده می‌کند و اکنون فاز سه آزمایش انسانی خود را در برزیل انجام می‌دهد.